

اصول مبارزه عاشورایی در خطبه حضرت زینب

<?xml encoding="UTF-8?">

قدر مسلم قیام امام حسین (ع) آغاز یک مبارزه و تکوین آن است، ادامه مبارزه و هدایت آن در مسیر واقعی اش مرهون اسارت زینب (س) است. برای حفظ ماهیت یک قیام پشتوانه ای قوی و برانگیزنده لازم است و سفیر کربلا سعی کرد مبارزاتش را بر اصولی تغییرناپذیر که از مبانی قرآن و سنت نبوی سرچشمه می گرفت، مبتنی سازد. قیام عاشورا حرکتی اتفاقی و متعلق به یک زمان و مکان نبود، بلکه با مقدمه ای روشن، از زمان رسول خدا (ص) و بخصوص بعد از رحلت پیامبر (ص) و اعلام جانشینی حضرت علی (ع)، و بعد از آن با اسارت حضرت زینب (س)، قیام مختار و بیان امامان دیگر درباره علل و انگیزه های انقلاب حسینی، ادامه پیدا کرد و همچنان تداوم داد. چنانکه جنگ دشمن در کربلا نیز، بوی کینه های قدیمی و آثار زخم جنگ های رسول خدا (ص) و حضرت علی (ع) با قریش و دیگر کفار را می داد.

حضرت زینب و جریان های سیاسی

حضرت زینب (س) با احاطه کامل بر جریان های سیاسی، فرهنگی و تبلیغی منجر به سلطه و استبداد امویان، عمدتاً مشغول آگاهی بخشی مردم و رسوا کردن این خاندان بود. او این رویارویی اسلام اصیل و اسلام دروغین را مواجهه اسلام و کفر می دانست و در این منظر، حقایق تاریخی را آشکار و روشن می کرد. از نگاه حضرت زینب (س) حوادث بزرگی مثل جنگ صفین، شهادت امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) و اسارت خاندان نبوی همگی جز محصول عقده گشایی و خواری و حقارت خانواده ابوسفیان نیست؛ زیرا این خاندان، ضربه های مهلکی از آموزه های نظام اسلام خورده اند. آنان گرفتار انتقام کور تاریخی شده اند. به همین دلیل حضرت زینب (س) در شیوه تبلیغی خود، به ویژه در خطبه هایش می کوشد ضمن بیان افتخار و عزت اسلام و خاندان نبوت، پرده از نفاق امویان بردارد و با استنادهای تاریخی خود، خاندان اموی را رسوا و ادعاهای پوچ و بی اساس آنها را در تاریخ برملا کند. حضرت زینب (س) تباهی، فساد و فسق آن خاندان را که به نوعی تداوم روحیه ها و هویت جاهلی است، آشکار می کند.

ظرایف خطبه زینبیه (س)

نکته ظریف در دعوت و سیره تبلیغی حضرت زینب (س) و در خطبه ها و سخنان ایشان آن است که همواره آنها را به صورت سلسله وار ذکر می کند. یعنی محتوا و مضمون سخنان خود را علاوه بر بیان شیوا و رسا، اولاً به آیات کتاب خدا، سپس احادیث جدش پیامبر (ص) و پدرش امام علی (ع) و پس از آن به وقایع تاریخی مستند می کند. در خطبه ها، خطاب به شاهان و سران دستگاه یزید به آیه قرآن استناد می کند. حضرت زینب (س) به طور دقیق و ملهم از آیات قرآن کریم، به سنت های حتمی و قطعی خداوند در آفرینش اشاره می کند و در باب نبرد حق و باطل به سنت الهی «پیروزی نهایی حق بر باطل» اشاره می کند که چگونه علی رغم همه دسایس و خدعه

ها، حقیقت در نهایت پیروز و ماندگار خواهد شد.

حضرت زینب (س) خطبه ای را هم در شام و در مجلس یزید و در بین کارگزاران حکومتی او ایراد نمود. در این خطبه برخلاف خطبه کوفه که مخاطب آن به طور مستقیم مردم، بودند به یزید حمله می کند و تصویری از نبرد حق و باطل و رویارویی خاندان نبوت با خاندان اموی ارایه می کند. حضرت زینب در این خطبه نهضت حسینی را به کمال رساند و اصول مبارزاتی و انقلابی قیام عاشورا را برای جهانیان تبیین نمود. خطبه ای که در واقع متمم نهضت امام حسین (ع) است. (1)

اشعار کفرآمیز یزید آغاز رسوایی

اسیران اهل بیت (ع) را وارد دمشق کردند و در محل مخصوص اسکان اسیران جای دادند. یزید، مجلسی ترتیب داد، بزرگان شام را دعوت کرد و خود با نخوت تمام بر تخت نشست و در حالی که سر مقدس امام حسین (ع) در مقابلش بود، اسرا را به حضور طلبید.

یزید از سر کبر و غرور، دشمنی دیرینه خود به خاندان پیامبر (ص) و اسلام و قرآن را یکجا آشکار کرد و اشعاری را به زبان آورد که نشانه کفر و بی اعتقادی او به اسلام بود. «ای کاش بزرگان قبیله من که در جنگ بدر کشته شدند. می بودند و می دیدند که ... ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم و این پیروزی را در برابر آن شکست به دست آوردیم. هاشم «پیامبر (ص)» با حکومت بازی کرد والا نه خبری از آسمان داشت و نه وحی بر او نازل شده بود و من از نسل خندف (قبیله مادری اش که بدنام بودند) نیستم اگر از فرزندان احمد انتقام نگیرم.»

آنگاه که یزید اشعار کفرآمیز خود را پایان داد، زینب کبرا (س) چون شیری خشمگین از جا برخاست و در جواب بلندپروازی و گردن کشی یزید، آیه شریفه ای از قرآن را تلاوت کرد. گزینش این آیه حاکی از حضور ذهن، آرامش خاطر و تسلط کامل او بر قرآن است.

«کافران خیال نکنند آنچه ما برای آنها پیش می آوریم و آنها را مهلت می دهیم. به نفع آنان و به خیر و سعادت آنها است. نه، بلکه این مهلت برای این است که بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوارکننده در پیش است.»

حضرت زینب (س) با بیان این آیه در واقع به ادامه مبارزه و استمرار قیام عاشورا اشاره کرد و طولانی شدن ستم و بقای ظالمان را نوعی عذاب برای آنان دانست و با کنایه به او فهماند که سرانجام آنها دوزخ خواهد بود و باید منتظر عذاب الهی باشند.

منزلت حجاب سرفصل خطبه زینبیه (س)

عقیله بنی هاشم چنین شروع به آغاز کرد: «آیا این عدل است ای پسر آزاد شده که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی، ولی دختران پیامبر (ص) را در میان نامحرمان حاضر سازی؟ و آنها را در شهرها بگردانی و اهل بادیه و دور و نزدیک و پست و شریف، آنها را ببینند؟ در حالی که از مردان آنها کسی را باقی نگذاری و حمایت کننده ای ندارند.»

حضرت زینب (س) حجاب و عفتی کامل داشت و همچون مادرش فاطمه زهرا (س) به این امر مهم بسیار اهتمام می ورزید. «علامه مامقانی» در این باره فرموده است: زینب (س) در حجاب و عفاف یگانه است، احدی از

مردان در زمان پدرش و برادرانش، تا روز عاشورا او را ندیده بودند.

«یحیی مازنی» که یکی از علمای دوران خود بود، می گوید: من در مدینه مدت مدیدی در همسایگی حضرت علی (ع) بسر می بردم، اما به خدا قسم ابداً زینب (س) را ندیدم و حتی صدای او را هم نشنیدم.

حضرت زینب (س)، نه تنها در حالتی عادی به حجاب و عفت اهتمام داشتند، بلکه در بحرانی ترین لحظات زندگی نیز این خصیصه تحت الشعاع مشکلات و مصایب قرار نگرفت و این مخدره، سعی و کوشش فراوان می کرد تا از انظار و دیده های مردم پوشیده باشد. (2)

یزید از سلاله ناپاکان

حضرت زینب (س) یزید را «فرزند طلقاً» خطاب نمود و آن اشاره به داستان فتح مکه است که پیامبر اسلام (ص) بزرگان مکه را که ابوسفیان، جد یزید هم از آنها بود، عفو کرد و بخشید و آنان را آزاد کرد و فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقا» (3)

«چگونه انتظار مهربانی و شفقت باشد از کسی که با دهان خود می خواست جگر پاکان را ببلعد و گوشت او از خون شهیدان اسلام روییده شده؟» زینب کبرا (س) با طرح و عنوان این مسئله می خواهد این نتیجه را بگیرد که آل ابوسفیان در اصل با اسلام مخالف اند و هرگز با اسلام و پیامبر (ص) آشتی نکرده اند. فرزندان ابوسفیان این حدق و کینه را سینه به سینه، به یکدیگر منتقل کردند و یزید براین زخم مرهم گذاشت. این جنگ، در واقع جنگ کفر و ایمان و جنگ غرور جاهلیت با تمامی ارزش های اسلام قلمداد می شود. و در ادامه به یزید یادآور می شود که جایگاه اجداد تو در جهنم است. «به زودی به اجداد خود در جهنم ملحق خواهی شد و خواهی گفت که ای کاش نبودم و چنین جنایتی را مرتکب نمی شدم.»

تحقیر و بیان سرنوشت دردناک ظالمان

ای یزید، برای تو کافی است در قیامت به دادگاهی وارد شوی که قاضی آن خدا، باشد و خصم و طرف دعوای تو محمد (ص) و پشتیبان او جبرئیل. در روز قیامت، نه تنها تو به مکافات اعمال ضد انسانی خواهی رسید، بلکه آتھایی هم که تو را بر این مسند نشانند و بر گرده مسلمین سوار کردند، سزای همکاری های خود را دریافت خواهند نمود. آن روز است که بدانید، چه سرنوشت دردناکی دارید و یکی پس از دیگری بدبخت و بیچاره تر و ناتوان تر و شکست خورده تر خواهید بود.

حضرت زینب (س)، یزید ملعون را در این معامله بازنده و شکست خورده معرفی می نماید.

مرگ در راه مبارزه را نیستی ندانستن

حضرت زینب (س) در این فراز از خطبه به مسئله مرگ در راه خدا اشاره دارد و مرگ یک مجاهد و مبارزه را پایان زندگی نمی داند. فریاد سفیر کربلا در طول اسارتش همین است که بر همگان ثابت کند که در منطق حسین (ع) شکست راه ندارد و شهادت یک روی سکه است و پیروزی روی دیگر آن.

به عبارتی، مرگ در راه خدا و پیروزی، هر دو از نظر مبارز اسلامی، یکسان است. او خود را مأمور به تکلیف می داند، خواه بر دشمن فائق آید و خواه شهادت او را در آغوش کشد. زینب کبرا (س) در پاسخ به یاوه گویی های یزید به آیه زیر تمسک می جوید:

«گمان مکن آنهایی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند (4)». زینب کبرا (س) در تئوری مبارزات مکتبی خود، روح شهادت طلبی را مرکز ثقل حرکت و قیام اسلامی قرار می دهد و آن را رمز پیروزی و بقا و ثبات حکومت اسلامی در طول تاریخ می داند.

قدرت دشمن را پوشالی دانستن

«ای زاده معاویه! اگر چه حوادث روزگار مرا در شرایطی قرار داد که با تو سخن بگویم، اما من، تو را کوچک می شمارم و بسیار سرزنش می کنم و توبیخ فراوانت می کنم. آه چه شگفت انگیز است که مردان خدا به دست گروهی شیطان صفت کشته شوند.»

براساس تعبیر قرآن، کسانی که از راه مستقیم هدایت گریخته و خط باطل را می روند، قدرتی ناپایدار و دروغین دارند. حضرت زینب با وقوف به آیات الهی و اعتقاد عمیق به قرآن و مکتب حیات بخش اسلام، قدرت یزید را کف روی آب می داند و به همه نشان می دهد که یزید آنقدر در چشم او کوچک است که لیاقت تحقیر و توبیخ او را ندارد.

ترس و وحشت از دل ناآرام و پریشان نشأت می گیرد، وقتی دل آرام و مطمئن شد از کوه محکم تر و از طوفان خشمگین تر و در آن صورت، منزل خدا می شود. حضرت علی (ع) در این رابطه می فرماید: «به خدا سوگند اگر من تنها با ایشان (دشمنان) روبه رو شوم و آنها همه روی زمین را پر کرده باشند، باکی به خود راه نمی دهم و از آنها نمی هراسم ...» و زینب (س) در مکتب پدر، چنین آزادگی را یاد گرفته است.

زینب کبرا (س) یزید را از گروه شیطان و بانی این فاجعه را مردان شیطان صفت می داند. زینب (س) از اینکه یزید و عمالش را حزب الشیطان، می خواند، درصدد است او را خلع سلاح کند و با ترسیم خط حزب الله در مقابل حزب الشیطان یزید را دشمن قرآن و خط راستین پیامبر (ص) معرفی کند. (5)

کنار زدن نقاب ظالم

«این دست های شما به خون های ما آغشته است و دهان های شما از خوردن گوشت خاندان پیامبر (ص) باز است ...»

در این بخش، اشاره ظریف حضرت، به تمام ظلم ها و حق کشی های بنی امیه و ابوسفیان تا زمان شهادت امام حسین (ع)، است.

همچنین زینب (س) می خواهد ثابت کند که اگر باطل به ظاهر قدرتی دارد، بدان جهت است که نقاب حق را به چهره گرفته است و به ظاهر خود را حامی قرآن و جانشین پیامبر (ص) می داند.

جاودانگی آثار مبارزه

زینب کبرا (س) با اطمینان کامل به آینده درخشان قیام برادرش حسین (ع) و وقوف به آثار جاویدان و فراگیر آن در تاریخ بشر، خطاب به یزید می فرماید: «ای یزید! هرچه می توانی در راه دشمنی ما مکر و حيله و نقشه طرح کن و کوشش به خرج بده، به خدا نمی توانی نام ما را از خاطره ها و صفحه تاریخ، محو نمایی و فروغ وحی ما را خاموش سازی و از این راه به آرزوی نهایی خود برسی و این ننگ و عار همیشگی را از دامن خود پاک نمایی (6) ...»

زینب کبرا (س) بر این مطلب تأکید دارد که محققاً کسانی که در راه خدا مبارزه می کنند و منافع شخصی خود را

فدای آرمان های مقدس الهی می کنند، آثار جاویدان حرکت و جهادشان به نحو گسترده ای در تاریخ می درخشد و هیچ گاه اثر عمل ایثارگرانه آنها محو نمی شود. خدای متعال نیز در قرآن می فرماید: کسانی که در راه خدا مجاهده می کنند هرگز اعمال شان گم نمی شود.

بیان هدف دار بودن قیام عاشورا

در خاتمه خطبه، عقيله بنی هاشم فرمود: «حمد می کنم خدای را که آغاز کار ما را سعادت و مغفرت قرار داد و پایان آن را شهادت و رحمت ...»

تفسیر این کلام گهربار این است که هدف از خلقت بشر به معرفت حق رسیدن و در جوار رحمت او، آرامیدن است، وقتی بنده ای به خدا پیوست و در هیچ شرایطی خود را از او جدا ندید، آنگاه تلخی و شیرینی و مرگ و حیات و بلا و رنج در نظرش یکسان است. مولای متقیان علی (ع) در صفات متقین فرمودند: در بلا و سختی همان اند که در آسایش و خوشی هستند. شهادت نزد مردان خدا با رستگاری و پیروزی برابر است و آن را رحمت و نعمتی از جانب پروردگارشان می دانند.

«شیخ مفید جعفری نقدی»، در کتاب زینب کبرا (س) می گوید: «شجاعت ادبی زینب (س) و فصاحت و بلاغت او در میان هزاران نفوس همه را به حیرت انداخته است و جسارت او در مجلس بزرگی که یزید تشکیل داده بود، نسبت به یزید و بیان حقایق ماجرا امری مهم و قابل توجه بود، چون یزید، خود را خلیفه مسلمین جهان می دانست.» (7)

رسالت حضرت زینب (س) در واقع گفتگوی امام حسین (ع) با نسل ها و تاریخ آینده است. زیرا حضرت زینب (س) با سیره تبلیغی خود توانست صدای امام حسین (ع) و فریاد «هل من ناصر ینصرنی» را به مردم دنیا باز گوید. و اگر زینب (س) پیام

کربلا را به تاریخ باز نگوید، کربلا در تاریخ می ماند و کسانی که به این پیام نیازمندند از آن محروم می مانند. این است که پیامبری زینب (س) دشوار و سنگین است، رسالت زینب (س) پیامی است به همه انسان ها، به همه کسانی که بر شهادت امام حسین (ع) می گریند و به همه کسانی که بر آستان سالار آزادگان حسین (ع) سر خضوع و ایمان فرود می آورند (8).

پی نوشت ها :

WWW.Pasokhgoo.ir -1

2. حسن الهی (بوته کار)، زینب کبرا عقيله بنی هاشم، تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه چاپ اول، 1375، ص 99 - 100.

3. اسماعیل منصوری لاریجانی، زینب کبرا، فریادی بر اعصار، تهران، مرکز نشر فرهنگی آیه، چ اول، 1378، ص 154.

4. آل عمران، آیه. 126

5. زینب کبرا، فریادی بر عصار، ص. 164

6. همان، ص. 127

7. حسین دریاب نجفی، زینب کبرا، اسوه صبر و شجاعت و استقامت، قم انتشارات حضرت عباس (ع)، چ اول،

1381، ص.243

WWW.Pasokhgoo.ir -8